

# زیخرد

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی  
سال هشتم / شماره اول / پیاپی ۱۴ / بهار - تابستان ۱۴۰۱

## خلسه الهی (حکمت ادبی ۶)<sup>۱</sup>

روح‌الله سوری<sup>۲</sup>

**یادآوری:** کتب آسمانی و حکمای الهی پیشین حقایق بلند معرفتی را در قالب‌های ادبی می‌ریختند تا توده مردم از آن بهره‌مند گردند. حکمت و عرفان ادبی حقایق معرفتی و سلوکی را به بهترین شیوه به تصویر می‌کشد و فطرت آدمی را به بررسی و فهم آن‌ها تشویق می‌کند. مجله نسیم خرد نیز در برخی شماره‌ها در این راه گام برداشته و متن‌های کوتاهی با عنوان «حکمت ادبی» ارائه داده است. اکنون بخش ششم این مجموعه با نام «خلسه الهی» تقدیم می‌شود.

ای انسان، ذهن تو سه گونه می‌اندیشد: ۱. گاه بر موضوعی خاص متمرکز می‌شود و به چیز دیگری توجه نداری؛ مانند حلّ یک مسئله پیچیده ریاضی؛ ۲. گاه در پی حل موضوع خاصی هستی، اما افکار دیگری مزاحم تمرکز توآند و لحظاتی در آن‌ها غوطه می‌خوری، ولی دوباره به موضوع دلخواهت بازمی‌گردی؛ ۳. و گاهی کاملاً در افکار گوناگون شناوری و هیچ موضوع خاصی را مدنظر نداری.

اکنون به حالت سوم توجه کن. در این حال، تو تسلیم درون خویشی و ضمیر ناخودآگاهت افکار گوناگونی به تصویر می‌کشد. ذهن تو چون گنجشکی چالاک به هر سو می‌جهد و از شاخه‌های درخت

۱. کتاب‌های آسمانی و حکیمان الهی پیشین حقایق بلند معرفتی را در قالب‌های ادبی می‌ریختند تا توده مردم از آن‌ها بهره‌مند شوند. حکمت و عرفان ادبی حقایق معرفتی و سلوکی را به بهترین شیوه به تصویر می‌کشد و فطرت آدمی را به بررسی و فهم آن‌ها تشویق می‌کند. مجله نسیم خرد نیز در برخی شماره‌ها در این راه گام برداشته و متن‌های کوتاهی با عنوان «حکمت ادبی» ارائه داده است. اکنون بخش ششم این مجموعه با نام «خلسه الهی» تقدیم می‌شود.

کد: 20.1001.1.24764302.1401.8.1.8.1

۲. استادیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی (souri@khu.ac.ir)

وجودت بالا می‌رود. تصویرهای گوناگون با سرعتی سرسام‌آور از پیش چشمت می‌گذرند. تصویرهایی که به‌ظاهر کوچک‌ترین ارتباطی با هم ندارند، اما این نمایش برق‌آسا و این تصاویر نامرتبب انعکاس آشفته‌گی توآند. در واقع، آنچه از نظرت می‌گذرد نمایشی است که ناخودآگاه تو کارگردان و خودآگاه تو بیننده آن است.

اکنون تصور کن که تو انسانی معصوم و مبرا از هر آلودگی بودی. آنگاه هیچ ناخالصی نداشتی و تصاویری که از درونت می‌جوشید، یک‌دست، منظم و منسجم بود. تصاویری زیبا و دل‌نشین که نمایش کمالات و سجایای اخلاقی تو بود. اهل معرفت بر این باورند که بهشت باطن افعال نیکوست و انسان، پس از مرگ، بر سفره اعمال، علوم و نیات خویش می‌نشیند: «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، كَلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» (بقره: ۲۵).

اکنون، چنین خلسه‌ای را برای خداوند تصور کن؛ وجود نامحدودی که به کمالی نامحدود متّصف است. آنچه در خلسه الهی متمثل خواهد شد، نمایشی از صفات کمال خداوند است؛ تمثلی به‌غایت زیبا، ممتد و منسجم در گستره‌ای نامتناهی. هم از این روست که اهل معرفت می‌گویند: عالم، نمایش و تجلی صفات الهی است. قرآن کریم نیز آفریده‌ها را ریزش کمالات خداوند «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) و نشانه (آیه) وجودی او می‌داند. به امام صادق علیه السلام منسوب است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ مُلْكَةً عَلَى مِثَالِ مَلَكُوتِهِ، وَأَسَّسَ مَلَكُوتَهُ عَلَى مِثَالِ جَبْرُوتِهِ لِيَسْتَدِلَّ بِمُلْكِهِ عَلَى مَلَكُوتِهِ وَبِمَلَكُوتِهِ عَلَى جَبْرُوتِهِ»؛ بنابراین، هنگامی که خداوند به خویش توجه می‌کند، چنین تمثلی رخ می‌دهد و خدا همواره چنین است. بر این پایه، عالم، تمثلی ممتد در خلسه پیوسته الهی است.